

# حسین رونمایی کتاب

## نامه‌های چخوف

مسعود لواسانی

۴۷۲

جلسه نقد و بررسی جلد نخست از مجموعه «نامه‌های آنتوان چخوف» عصر روز چهارشنبه ۸ تیر ماه ۱۳۸۵ با حضور ناهید کاشی چی (مترجم)، کامران فانی، علی دهباشی، فتح‌الله بی‌نیاز و محمد آقازاده منتقد، محسن باقرزاده ناشر کتاب و مدیر انتشارات توس جلال هاشمی (مدیر انتشارات روزبهان) و تعدادی دیگر از ناشران، منتقدان جوان و ادب دوستان در محل کافه تیترا برگزار شد. ابتدا خانم بیتا بختیاری مدیر کافه تیترا از طرف خود و همسرش بهنام قلی‌پور خیرمقدم گفت و ناهید کاشی چی ابتدا شرحی درباره چگونگی ترجمه کتاب داد و گفت:

با سلام و تشکر از شما دوستانی که در این هوای گرم زحمت کشیده و سرافرازمان فرموده‌اید. خوشحالم که ترجمه نامه‌های چخوف بهانه‌ای شد تا بار دیگر به یاد چخوف گرد هم آمده و به صحبت بنشینیم. به یاد این انسان سرزنده، خوب، مهربان و خوش قلبی که عشق به زندگی در وجودش می‌جوشید و بی‌هراس از مرگی که می‌دانست در کمین‌اش نشسته برای خوشبختی، انسان‌ها می‌نوشت.

نامه‌های چخوف که به ترجمه آن پرداخته‌ام، شامل سه جلد است که خود منتخبی‌ست از یک دوره شش جلدی. که توسط ماریا پاولونا چخووا خواهر نویسنده گردآوری شده است. ترجمه جلد اول شامل مکاتبات با برادرش الکساندر چخوف و همسرش الگاکنیپر چخووا می‌باشد که در ۵۳۵ صفحه منتشر شده است.

# چخوف



● ناهید کاشی چی مترجم نامه‌های چخوف (عکس از سیارش خاضعی)

۴۷۲

جلد دوم که در دست ترجمه است شامل مکاتبات چخوف با ماکسیم گورکی نویسنده بزرگ روس، استانیسلاوسکی، نمیرویچ دانچنگو و می پره‌لدرد که هر سه از کارگردانان و هنرپیشگان پر آوازه روس هستند و سوورین سردبیر روزنامه «عصر جدید» و همچنین ایوان بوتین می‌باشد. به امید آنکه بزودی چاپ شود.

تعداد نامه‌های چخوف بسیار زیاد است. بطوریکه در آرشیو او بیش از ده هزار نامه بدست آمده است. شاید فزونی این نامه‌ها از آنجهت است که در آن زمان راه‌های ارتباطی امروزه وجود نداشت. اما دلیل دیگر که می‌شود ذکر کرد اینست که چخوف در هنگام نوشتن فردی اجتماعی و شوخ ولی در حضور دیگران بسیار متواضع، فروتن و ساکت بود. از این گذشته او نامه‌نویسی را دوست داشت و از اینکه نامه بنویسد و نامه دریافت کند لذت می‌برد. او در پایان هر سال نامه‌ها را بر حسب الفبا طبقه‌بندی می‌کرد.

دوستداران چخوف با خواندن نامه‌های او با زندگی شخصی و اجتماعی و روابط او با نویسندگانی چون تولستوی، پله شچیف، آندره یف، کوپرین، بونین و ماکسیم گورکی آشنا شده و به عقاید و نظرات او درباره صدها کتابی که خوانده است پی می‌برند. با پیشه طبابتش که نیمی از عمر خود را صرف آن کرده بود آشنا می‌شوند و اهمیت مسافرت او به ساخالین را در می‌یابند و در جریان کار و زحماتش در هنگام نوشتن داستان‌ها و نمایش نامه‌هایش همچون دایی وانیا،

مرغ دریایی، سه خواهر و باغ آلبالو قرار می‌گیرند.

تاریخ زندگی کوتاه و در عین حال پر بار و پر محتوای چخوف که حتی یک روز آن هدر نرفته و یک ساعت آن بیهوده نگذشته است، همگی در نامه‌های او منعکس شده‌اند.

در خلال نامه‌های صدای بسیاری از هنرمندان و نویسندگان معاصر او را می‌شنویم. و با تبادل نظرات آنان، درباره پدیده‌های هنر و ادبیات آن زمان آشنا می‌شویم. مثلاً در نامه‌های استانیسلاوسکی، می‌برهولد، نیمیرویچ دانچنکو و الگا کینپر، اطلاعات موثقی از سال‌های شروع و برپائی تئاتر هنری مسکو بدست می‌آوریم که این اطلاعات، برای علاقمندان به تاریخ و هنر متأثر روسیه جالب است.

در نامه‌نویسی‌های چخوف بحث درباره ادبیات و آثار ادبی و اجتماعی جایگاه مهمی دارد. اما درباره سیاست باید گفت، چخوف علاقه‌ای به بحث‌های سیاسی نداشت و به عبارتی مرد سیاست نبود. او می‌گفت با رویاهای انقلابی نمی‌توان بورژوازی را از بین برد و قدرت را بدست مردم ناآگاه سپرد. چخوف امیدش آن بود که نظام تزاری آهسته و به تدریج به یک نظام لیبرال روشن اندیش مبدل شود. احساس می‌کرد که وضع زندگی نه با تزاری تازه بلکه با بالا رفتن سطح فرهنگ مردم و آگاهی آنان، به بهبودی بخشیدن به زندگی خود امکان‌پذیر خواهد بود. او بارها بدفعات دعوت نویسندگان و دانشجویان را برای شرکت به اعتراض‌های سیاسی رد کرد.

چخوف از مسائل فلسفی نیز روگردان بود. عقیده داشت که داستان نویس فقط می‌تواند واقعیت‌ها را نشان دهد و حل مسائل مربوط به شک و شبهه به عهده آنان نیست. او از دادن پند و اندرز نیز گریزان بود. اما در عین حال آثار او کمک می‌کنند تا انسان زندگی را درک کند و بهتر بشناسد. شخصیتش بر روی تمام کسانی که او را می‌شناختند اثر معنوی بر جای می‌گذاشت.

در سال ۱۹۱۰ هنگامی که مسئله چاپ مجموعه نامه‌های چخوف مطرح شد، اقوام او از طریق روزنامه‌ها، از همه افرادی که نامه‌هایی از چخوف در دست داشتند درخواست کردند تا نامه‌های خود را برای گرفتن یک نسخه کپی در اختیار ماریا پاولو ناچخوا خواهر نویسنده بگذارند. بسیاری از مخاطبین چخوف به این تقاضا پاسخ مثبت دادند. اما عده معدودی هم بودند که ارزش و اهمیت نامه‌های او را ندانسته و آنها را پاره و یا از بین بردند. مثلاً سرورین سردبیر روزنامه «عصر جدید». نامه‌ها خود را پس گرفته و آنها را از بین برد و یا خانم آویلوا نویسنده و دوست چخوف که از آنهمه نظم و ترتیب در نگهداری نامه‌هایش به تعجب آمده بود پس از گرفتن نامه‌هایش بسیاری از آنها را سوزاند.

در زمان حیات چخوف تنها معدودی از نامه‌ها که جنبه اجتماعی داشت منتشر شدند. اما نامه‌های نوشته شده به او تنها پس از مرگ نویسنده به چاپ رسیدند. این نامه‌ها همچون دیگر



● علی دهباشی - کامران فانی - بهنام قلی پور (ایستاده) - جلال هاشمی و محسن باقرزاده

آثاری که امضاء چخوف زیر آنها دیده می شود با استقبال پرشور و توجه عمیق خوانندگان روبرو گردیدند.

سپس علی دهباشی گزارشی از چگونگی چاپ کتاب «نامه های چخوف» داد. و بعد کامران فانی در سخنانی به بیان اهمیت کتاب نامه های آنتوان چخوف و انتشار این کتاب پرداخت و گفت: چخوف اولین نویسنده خارجی است که آثار او به طور کامل در ایران منتشر می شود و باید از ناشر این کتاب به خاطر چنین همتی تشکر کرد. تاکنون همه داستان های کوتاه، رمان ها و کتاب «جزیره ساخارین» در ایران منتشر شده است و انتشار نامه های چخوف هم اقدام ارزشمندی است که به کامل شدن مجموعه هفت جلدی آثار داستانی این نویسنده برجسته کمک می کند.

وی در ادامه افزود: تنها اثر مهمی که از چخوف به فارسی ترجمه نشده بود نامه هایش است بود که هم اکنون فارسی زبانها می توانند از خواندن چنین اثری لذت ببرند.

در بخش دیگری از این کتاب نامه های او به ناشر آثارش است که در این نامه نگاری ها دیدگاه های چخوف درباره اوضاع ادبی و اجتماعی کشور روسیه و مسائل سیاسی مانند ماجرای «دریفوس» اشاره کرده است.

در این کتاب همچنین جریان نگارش نمایشنامه های مهمی چون مرغ دریایی، دایی و انیا،



● ناهید کاشی چی و فتح‌الله بی‌نیاز در جشن رونمایی (کافه تیترا) (عکس از سیاوش خاضعی)

باغ آلبالو و نیز نامه‌های چخوف به استانیسلاوسکی کارگردان مشهور تئاتر روسیه، سال‌های شروع و برپایی تئاتر هنری مسکو و سایر رویدادها و تحولات هنری هم روشن است.

در ادامه محسن باقرزاده مدیر نشر توس گزارش کوتاهی درباره چاپ مجموعه آثار چخوف ارائه کرد. وی در سخنان خود گفت: مرحوم سروژ استپانیان یکی از کارشناسان زبان روسی بود - که خود هم ارمنی بود - وقتی مجموعه چخوف را برای اولین بار به من داد و در ۱۵ سال قبل چاپ شد به من گفت که براساس نظر من باید هر ترجمه‌ای بعد از گذشت ۱۰ سال تجدید شود و روز آمد شود به همین دلیل این کتاب را از نو ترجمه کرد و چیزهایی به آن افزود که از جمله می‌توان به رمان «جزیره ساخارین» اشاره کرد.

وی افزود: واقعیت این است که استپانیان عقیده داشت که از میان تمام ترجمه‌هایی که از چخوف در ایران منتشر شده است تنها کامران فانی ارزش خواندن دارد و ترجمه‌ای که توسط وی صورت گرفته از دیگران بهتر است.

پس از سخنان باقرزاده فتح‌الله بی‌نیاز منتقد ادبی در سخنانی درباره انتشار مجموعه نامه‌های چخوف گفت: یکی از اصلی‌ترین عوامل ماندگاری آثار چخوف، طرح مسائل وجود شناسانه و فارغ از زمان مکان، آن هم بدون پرداختن به کشمکش میان آدم‌های خوب و بد با توجه به انسان‌های استثنایی است. او بیشتر روی کسانی تمرکز می‌کرد که بسیار عادی بودند. از طریق



● نمایی از جلسه گفتگو درباره نامه‌های چخوف در کافه تیترا

۴۷۷

همین‌ها نیز، به رنج‌آورترین مسائل زندگی دسترسی پیدا می‌کرد و به نحو هنرمندانه‌ای، تنهایی و جدایی چاره‌ناپذیر انسان‌ها از یکدیگر و عدم تفاهم آن‌ها را با هم، القاء می‌کرد. این نکته، هسته مرکزی داستان‌های او است. شخصیت‌های داستان‌های او، شاید به لحاظ نظریه ادبی امروز، فاقد «تفرد» و «فردیت» باشند، شاید داستان‌های او از «سلاست» منسجم برخوردار نباشند، اما تغییرات حالات مختلف ذهن آگاه و ناخودآگاه شخصیت‌ها، به موضوعی وجود شناختی تبدیل می‌شود. از داستان‌های ساده «وانگا» «می‌خواهم بخوام» و «متهم» گرفته تا داستان‌های عمیق‌تر «در دره تنگ» تا «جیرجیرک» و «سرگذشت مدال آور».

چخوف در نامه‌هایش، ضمن توجه به بخش انسانی رابطه‌اش، طرف مقابل، هرگاه که از ادبیات حرف می‌زد، دقیقاً به همین نکات توجه دارد. البته از توصیه و نصیحت هم غافل نمی‌شود. برادرش را به دلایل رفتار نادرست با همسر، آشپز و بچه‌ها، ملامت می‌کند و می‌نویسد که باید بین یک هنرمند و ره‌گم‌کرده‌هایی که در داستان‌ها بازنمایی می‌شوند، تفاوتی در رفتار، گفتار و اندیشه وجود داشته باشد.

نامه‌های چخوف، ارتباط تنگاتنگ «روزمرگی» این نویسنده را با «معانی آثارش» به خوبی نشان می‌دهد.

در ادامه این نشست محمد آقازاده روزنامه‌نگار و منتقد ادبی در سخنان کوتاهی درباره کتاب

نامه‌های چخوف گفت: من وقتی نامه‌های چخوف را می‌خوانم احساس نزدیکی با مردم آن کشور می‌کنم و تصور می‌کنم که همیشه ما با مردم روسیه هم افق هستیم. نمی‌دانم که چرا علی‌رغم اینکه نور امیدهایی پیدا می‌شود ولی دوباره زندگی کسالت بار دوباره از سر گرفته می‌شود. وی تصریح کرد: ترجمه نامه‌های چخوف برای مخاطب فرصتی را فراهم می‌کند که از طریق این نامه‌ها به زندگی روزمره چخوف رسوخ کنیم و ببینیم مثلاً در روابط چخوف و برادرش یا چخوف و همسرش چه اتفاقاتی می‌افتد و نیش‌های زبانی که به همدیگر می‌زدند و انتقاداتی که می‌کردند دقیقاً مانند چیزی است که در جامعه ما هم وجود دارد.

محمد آقازاده در ادامه افزود: خواندن این کتاب خیلی نکات را برای ما در مورد مشکلات اجتماعی روشن می‌کند و پدیده جامعه‌شناسی زندگی روزمره به این دلیل که ما از زندگی روزمره خود خیلی فاصله نمی‌گیریم بر ایمان مشکل است و اگر بتوانیم فاصله‌گیری انتقادی از کتاب نامه‌های چخوف پیدا کنیم و با نگاه به مشترکات فرهنگی خودمان می‌توانیم وضع جامعه خود را بهتر درک کنیم.

